

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

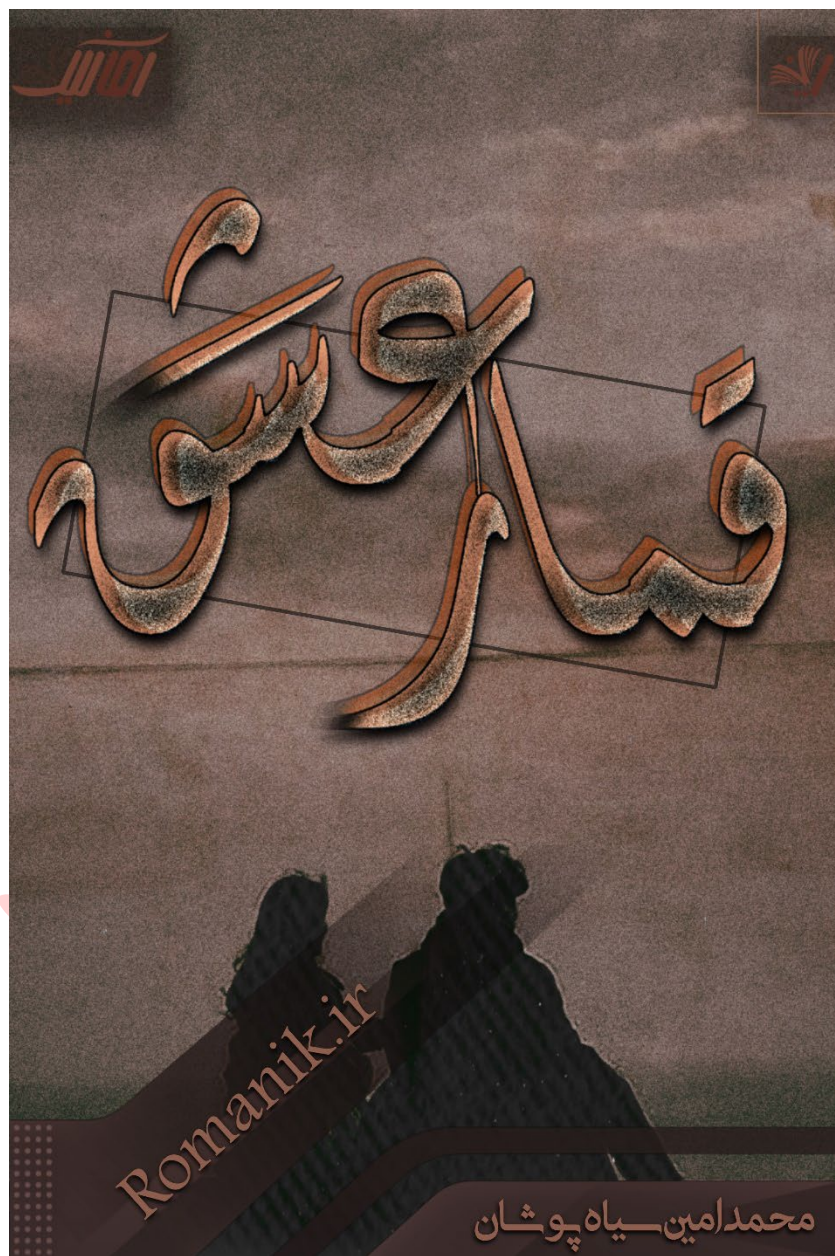
اطلاعات اثر:

نام اثر: قمار عشق	نویسنده: محمد امین سیاهپوشان
سطح اثر: برنزی	نوع اثر: فی البداهه
تعداد صفحات: ۱۱	ژانر اثر: عاشقانه
حقوق اثر: (تمامی حقوق این اثر نزد رمانیک محفوظ است.)	اختصاصی بودن اثر: بله

لینک های اثر:

لینک نمایه نویسنده: (کلیک کنید)	لینک تایپیک اثر در انجمن: (کلیک کنید)
لینک سایت اصلی رمانیک: (کلیک کنید)	لینک انجمن رمانیک: (کلیک کنید)

تایپ آثار



تیم اجرایی اثر:

کپیست:

Mohammad MZ

طراح جلد:

RoYa_s

منتقد:

RoYa_s

ویراستار:

zahra_v_n

مقدمه: عاشق که شدی، وارد بزرگترین بازی زندگیت می شوی، عشق همچون قمار است؛ یا آن را می بری و بر طبل شادی و شادکامیش می کوبی یا می بازی و تا ابد در حسرتش می سوزی.



R O M A N I K

عشق، همچون قمار است که با خودت بازی می‌کنی و خودت و احساساتت تصمیم می‌گیری که چه شود، یا شکست می‌خوری و تا آخر عمر در حسرت از دست دادن عشق، می‌سوزی یا پیروز می‌شوی و از محبتی جاودانه و نعمتی بی‌پایان بهره‌مند می‌شوی؛ به هر حال در این قمار همه چیز دست توست!

عشق، بزرگ‌ترین بازی زندگیست با تو، که چرخ گردون تو را می‌گرداند و حربه‌های بسیار بر سر راهت می‌گذارد و عشق‌های دروغینی که با صورت‌های بزک کرده سر راهت هستند تا تو را بفریبند و از راه عشق حقیقی، دورت کنند.

اگر مجنون، بی‌لیلا شود و فرهاد شیرینش را فراموش کند و سهراب یادش برود در راه به سوی یار و وصال شیرین‌تر از عسل یارش چگونه از آتش بگذرد و به او برسد. من هم یادم می‌رود که تو را دوست دارم و دوری از تو فقط یک بازی برای آزمودن من است.

R O M A N I K

وقتی به مجنون گفتند، لیلی در گذشته و راهی دیار باقی شده، هیچ کس نشانی از لیلی به او نداد و مجنون پشیمان نشد و گشت و گشت تا به قبر لیلی رسید و همان‌جا، جان به جان آفرین تسلیم کرد؛ ولی تسلیم نشد و از دست دادن عشقش را بازی زمانه و زندگی ندانست، پس نمی‌دانم چرا بعضی‌ها ادعای عشق می‌کنند و بر سر دل دیگران، دست به قمار می‌کنند و وقتی می‌خواهند فرد مقابل را کنار بگذارند، خود را درگیر بازی زمانه فرض می‌کنند.

در روزگاری که نامه‌های سوخته، ارزشش از نامه شاهی با حاشیه زراندود بیشتر شده، ارزش ادعای عاشقانه‌ی مترسک‌های سرجالیزی که با احساس بازی می‌کنند و بر سر قلبت دست به قمار می‌زنند، که نتیجه‌اش فقط نابودی قلب توست، هم بیشتر از عاشق ساده و دل سوخته‌ای شده که تو را از ته قلبت دوست دارد.

اون‌هایی که عشقشون از ته دل باشه و روحشون بهم تعلق داشته باشه، هر چقدر هم دنیا و چرخ گردون بازیشون بده و هر چقدر از هم دور باشن، ته تهش مال هم هستن و باز هم یه دور برگردون پیدا می‌کنن و به هم دیگه ختم میشن!

بعضی آدم‌ها هستن، وقتی توی زندگیت پا می‌زارن، خیلی برات عزیز میشن و قبولشون داری؛ ولی بعد یک مدت، همون آدم‌ها با رفتارشون باعث میشن نسبت بهشون دلسرد بشی و بعد چند وقت دیگه برات مهم نباشه که توی زندگیت هستن یا نیستن!

و ته رابطه با این آدم‌ها به خط خوردنشون از زندگیت و حذفشون میشه.

آدم‌هایی توی زندگیتون میان که به نظرت بهترین آدم‌های زندگیت هستن؛ ولی حتی به خودشون آنقدر زحمت نمیدن، پیامهاتون رو جواب بدن و برات زمان بذارن، این آدم‌ها همون‌هایی هستن که حتی اگر بیان توی زندگیت هم برات اندازه یک دانه ارزن ارزش برات قائل نمیشن و قفس هم براشون بسازی ته تهش از زندگیت میرن و تنهات می‌ذارن!

آدم‌هایی توی زندگیتون میان که به نظرت بهترین آدم‌های زندگیت هستن؛ ولی حتی به خودشون آنقدر زحمت نمیدن، پیام‌هاتون رو جواب بدن و برات زمان بذارن، این آدم‌ها همون‌هایی هستن که حتی اگر بیان توی زندگیت هم برات اندازه یک دانه ارزن ارزش برات قائل نمیشن و قفس هم براشون بسازی ته تهش از زندگیت میرن و تنهات می‌ذارن!

بعد از این که یک سری از آدم‌های مثلاً مهم و ارزشمند رو به خط قرمز کشیدی و از زندگیت حذفشون کردی.

تازه می‌فهمی بدون اون‌ها، چقدر زندگی خوبه و نفس کشیدن بدون اون‌ها راحت‌تره، این جز موقع‌ها حس به زندانی رو داری که از قفس آزاد شده.

اگر کسی همراحتون شد، محدودش نکنید جوری که فکر کنه توی قفس زندانی شده و باعث عذاب و شاید خورد شدنش بشیم. ما توی زندگیش وارد شدیم که مثل ققنوس پر پروازش باشیم و به بالاترین قله‌های خوشبختی برسونیمش و کاری کنیم که لبخند روی لب‌هاش بیاریم نه گریه به چشم‌هاش، هر موقع به این درک رسیدیم که باعث خنده‌اش بشیم نه گریه و رنج عذابش اون موقع به عشق واقعی پی بردیم و واقعاً عاشقشیم، در غیر این صورت با یه خداحافظی خوشحالش کنیم!

شاید دو روز اول گریه کنه؛ ولی بعداً به خودش و خودت لعنت نمی‌فرسته.

عشق اول و آخرمون اون‌ی نیست که عشق کودکیمون بوده یا برای اولین بار اومده توی زندگیمون، بهش ابراز علاقه کردیم!

عشق اول اونیه که از وقتی اومده توی زندگیمون تبدیل به آدم بی‌جانشین زندگیمون شده و هیچ کسی رو نمی‌تونیم جایگزینش کنیم.

هیچ چیزی تو این دنیا و در گردش چرخ روزگار، الکی تکرار نمیشه و اتفاق نمی‌افته.

هیچ وقت الکی و تکراری توی چشم‌های یک نفر نگاه نمی‌کنی و حتی شماره تعداد نفس‌هاش یادت نمی‌مونه، هیچ وقت، مگر این که یه جایی حتی توی تاریک‌ترین نقطه قلبت به قلب اون وصل باشه.

توی بدترین روز، روزهایی که خراب و داغون بودم، روزایی که نیاز داشتم یکی بشینه تا باهاش درد و دل کنم، نبودی و حرف‌های دلم رو به خیابون‌های تاریک این شهر زدم.

الان هم دیگه نیازی نیست به بودنت، پس بی‌زحمت برو به سلامت، خاطرات خوش بود؛ ولی فراموشت کردم!

R O M A N I K

فکر نکن نبودنت توی زندگیم، طوفان به پا کرد. نه، اومدنت شاید بهترین اتفاق زندگیم بود؛ ولی سادگی آخرین خداحافظیت همه‌چیز رو برام مشخص کرد که تو اگر واقعاً مثل ادعاهای پوشالی و خالیت، عاشقم بودی آنقدر راحت تنهام نمی‌داشتی و نمی‌رفتی؛ ولی حالا که رفتی به سلامت، هرگز دیگه برنگرد!

تمام روزهایی که با غم و ناراحتی گذشت را به جویبار گذشته سپردم و شب‌هایی که با گریه خوابیدم هم به صبح مبدل شدند و می‌دانم که آخر شاهنامه‌ام در پایانش، روزی خواهد آمد، که تمام این روزها را به دست فراموشی خواهم سپرد و تمام روزهایی که با تو بودم هم به کتابخانه هستی سپرده خواهد شد و در گوشه‌ای از این کتابخانه خاک خواهد خورد و به دست فراموشی سپرده خواهد شد و کم کم، در خاطره‌هایم کم رنگ خواهی شد. تا زمانی که هیچ خاطره‌ای از تو نخواهد ماند!

هر موقع فکر کردی عاشقی، به این فکر کن که یکی بهتر از اون بیاد چی کار می‌کنی، باهانش می‌مونی یا ولش می‌کنی میری، چون کسی که واقعاً عاشق یه نفر باشه، ولش نمی‌کنه بره، چون کسی که ماه رو داره، دو دوی، نور ستاره‌ها رو اصلاً نمی‌بینه!

کسی که عاشق یه آدم اشتباهی میشه، دقیقاً مثل یه آدم قمارباز می‌مونه!

همه چیزش رو از دست میده، همه زندگیش رو پای اون عشق قمار گونه می‌ذاره؛ ولی حاضر نیست برگرده و اون عشق رو رها کنه!

حاضر نیست اون عشق اشتباهی رو رها کنه و بره دنبال نیمه گمشده واقعی خودش و این یعنی مرگ، گوشه یا تمامی ساعت‌های عمرش.

خیلی راحت خیانت می‌کنیم و می‌ریم و نمی‌فهمیم، یه روزی این زمینی که روش داریم قدم می‌زنیم، قراره سقف بالای سرمون بشه!

یه روزی قراره جواب تمامی شون رو بدیم و قلب اون آدم قراره از سینه‌اش بزنه بیرون و بر علیه ما شهادت بده!

هیچ وقت روی قلب کسی قمار نکنید، چون اگه قلبش رو باخت، بدجوری جواب این کارت رو میدی و خدا بلایی سرت میاره که روزی صدبار از قلبت، صدای شکستن میاد؛ ولی نمی‌دونی دلیلش چیه!

اونی که واسه خانواده خودش احترام قائل نیست، قطعاً بدون، واسه خانواده خود تو هم احترام قائل نیست!

پس به جای این که بگی اون توی خانواده خودش اذیت شده که این طوری رفتار می‌کنه؛ اون طرف رو بزار کنار، چون کسی که این اخلاق رو داشته باشه، هرگز پایبند به تو نیست و احترام تو رو هم روزی زیر پا می‌ذاره.

R O M A N I K

وقتی بهش رسیدی، یادت باشه چقدر دنبالش دویدی تا بهش رسیدی، یادت باشه چون اگر یادت رفت و اولین نفری که اومد بهت سلام کرد و پشت چشم نازک کرد، اولی رو رها کرد، خدا بدجوری زمینت می‌زنه!

بین این جمله که من وقت ندارم، یا سرم شلوغه یا یه روز دیگه میام می‌ریم بیرون باهم می‌گردیم و تفریح می‌کنیم و خرید می‌کنیم، دروغ محضه!

وقتی برای کسی وقت نداری یعنی اون اولویت تو نیست، یعنی جای اول رو به چیز دیگه پر کرده.

بعضی موقع‌ها تنهایی خیلی چیزها رو به تو یادت میده، یادت میده بعضی آدم‌ها رو که فکر می‌کنی برگه تک آس توی دستت بودن، می‌فهمی اون‌ها فقط به برگه بی‌ارزش بودن و روشن زیادی حساب کردی!

اینی که یک طرف می‌خواهد یک رابطه رو تموم کنه، به معنی اون نیست که تو ایده‌آل اون نیستی، نه!

این به معنای اینه که به جایی کار رو اشتباه رفتی و به کاری رو اشتباه انجام دادی، به جایی اشتباه رفتی که سرانجام این‌طوری شد.

اگر واقعاً عاشق یه نفر هستی و اونم می‌گه دوستت داره، همیشه یک نفر، فقط برای هر دوی شما تلاش کنه و همه کارها رو بکنه!

اگر اون ده قدم به سمت تو و برای رسیدنتون بهم دیگه تلاش می‌کنه، تو هم دو قدم بردار.

هر موقع حس کردی توی دل کسی جا نداری، خودت برو!

نذار اون خوردت کنه و دور بندازه تو رو، هر چقدر هم که دوستش داری رهاش کن و برو چون اگر موندی خورد و خاکشیر میشی و حرف‌هایی می‌شنوی که دوست نداری.

هر موقع بعد رفتن بعضی از آدم‌های مزاحم و اضافه از زندگی ما، رنگ آبی آسمون روز تبدیل به سیاه شد و یا خورشید دیگه نه تایید اون آدم‌ها هم برای ما به حالت قبل بر می‌گردن و مهم میشن.

آدم اضافی که از زندگیمون رفت، مطمئن باشید جایگزینش میاد و با بهتر از اون، جای خالیش پر میشه.

وقتی خوشت میاد که یکی فقط بهت جمله دوستت دارم رو بگه! هر آدمی که از راه رسید می‌تونه این کار رو برات انجام بده و مثل نوار توی ضبط صوت، هی تکرارش کنه!

ولی کمتر کسی و دایره محدودی از آدم‌ها می‌تونن بهت ثابت کنن واقعاً دوستت دارن، پس بهتره دنبال مرد عمل باشیم نه مردی که فقط حرف می‌زنه.

R O M A N I K

داستان یک عشق واقعی، هیچ وقت تمام نمیشه و حتی اگر بهم هم نرسن، مثل قصه لیلی و مجنون، این‌هایی که دو روز عاشق هم میشن و بعدش تمام می‌کنن و میرن، اسمش عشق نیست!

اسمش یه حس بچگانه‌اس و بعد از یه مدت فراموش میشه و کسی دیگه جایگزین میشه یا سوژه خنده دسته جمعی توی جمع دوستان میشه.

توی کتاب باغ وحش شیشه‌ای، یه جمله خیلی قشنگ هست که میگه:

"زمانی فرا می‌رسد که باید رفت، حتی اگر جای مشخص و مطمئنی در انتظارت نباشد"

شاید اگر به عمق این جمله بریم، خیلی دردناک باشه و یا برای خیلی‌هامون نقشه راه باشه.

دراماتیک‌ترین و غمگین‌ترین حال دنیا، حال مردمی نیست که بی‌خانه و کاشانه شده‌اند. نه، غمگین‌ترین حال دنیا، حال آدمی‌ست که کسی را که دوستش دارد، هیچ تلاشی برای نگه داشتنش انجام نمی‌دهد و این با خود مرگ برابر است.

من همان کسی هستم که حتی گداهای ژنده پوش خیابان هم مرا می‌شناسند و می‌دانند دل را به کسی دادم که در اوج قله عشق، جایی که دیوانه‌وار عاشقش شدم، رهايم کرد و رفت، رفت تا شاید بهتر از من را بیابد.

یادم نیست آخرین بار کی، چه زمان و کجا خندیدم؛ ولی می‌دانم آخرین بار با کسی خندیدم که دیگر نیست.

کاش زنگ خطری بود که به صدا در می‌آمد و خبر می‌داد که روزهای شاد و خوب‌مان در حال از دست رفتن است، تا ما بیشتر می‌خندیدیم و بیشتر در کنار هم بودیم؛ ولی صد حیف که چنین زنگی وجود ندارد و از روزهای خوب گذشته فقط هاله‌ای غبار گونه و شاید عکس‌هایی تنها، جهت یادگاری ماندن، گرفته شده‌اند و هیچ اعتبار دیگری ندارند و فقط گذشته‌های شاد را به یاد می‌آورند، باقی مانده است.

اگر دو نفر مال هم باشن، حتی اگر بدترین بلاها رو سرشون بیاری، زندانی شون کنی یا از هم دور باشن، آخرش مال هم میشن؛ ولی وای به حال اونایی که مال هم نباشن، حتی اگر بهم زنجیره شون هم کنی ته تهش یه راهی برای جدا شدن از هم پیدا می کنن.

عشق یعنی واسش بهترین تکیه گاه باشی و همیشه پشتش مثل یه کوه وایسی، فقط کنار کسی بودن و جملات عاشقانه گفتن رو رهگذرهای توی خیابون هم بلدن، جملات عاشقانه وقتی با عمل همراه نباشه ویز ویز زنبوری، بیش نیست!

واعظی می گفت:

عشقی که برایش گریه کنی، واقعی ترین گریه دنیاست؛ ولی با گریه های از سر ریا و دروغ و فریبکاری چه کنم، که نمی توانی تشخیص دهی، کدام دروغ است و کدام اشکی ست از سر

R O M A N I K

حقیقت محض!



«با تشکر از نگاه زیبای شما، این اثر به پایان رسید.»

برای مطالعه دیگر آثار نویسندگان، از سایت رمانیک بازدید فرمایید.

برای ارسال اثر نوشته شده توسط شما و انتشار آن بر روی سایت رمانیک، به این

[لینک](#) مراجعه کرده و یا به اعضای انجمن رمانیک بپیوندید.

رمانیک در شبکه‌های اجتماعی:

R O M A N I K

